

وَعَلَىٰ قَوْمِهِ

لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ

قَالَ

دَلِيلًا
لَّهُمْ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ

انْتِزَاعَاتٍ بِأَجْمَلٍ ۙ

در بارهٔ رهایی زنان

و. لنین

با دداشت ناسر اندکلیسی

این مجموعه نوشته‌ها و نطقها و سخن با پیشگفتاری از ن. ک. کروپسکا با همسر و هم‌رزم لنین، شخصیتی مهم در دولت شوروی، آغاز می‌شود و آنرا برای مجموعه مقالات لنین، دربارهٔ رهایی زنان، منتشره در ۱۹۲۱ نوشت. تلخیصی از کتاب مناظرات من از لنین، نوشته کلارا زتکین، رهبر برجسته جنبش کارگری آلمان و بنیان‌مندی، بعنوان یک پیوست می‌آید.

ترجمه فارسی از روی متن اندکلیسی بهمین نام از انتشارات پروکرس
سکو، چاپ سوم، ۱۹۷۲ میباشد.

انتشارات سها هکل منتقل بوده و بهیچ حزب و سازمان سها
گروه سهای خاصی وابستگی ندارد.

تکثیر کتب انتشارات سها هکل آزاد است.

فهرست

۱ بهنگفتار
۱۲ از " توسعه سرمایه‌داری در روسیه "
۱۶ از " همپوشانی برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه "
۱۹ از " گذرگه سوسیالیستی انقلاب اسپانیا در انتخابات "
۲۱ اروپا، آسیای صغیر و آسیای میانه
۲۳ بهنگفتار
۲۵ سرمایه‌داری و کار زنان
۲۷ طبقه کارگر و نسوان سوسیالیست
۳۰ پنجمین گذرگه بین‌المللی بر علیه فحشا
۳۲ تولید خردبای در کشاورزی
۳۵ به اینها آرمانند
۳۷ به اینها آرمانند
۴۱ از " کاربکاتوری مارکسیسم و اکونومیسم امپریالیستی "
۴۴ از " وظایف نسوان سوسیالیستی در حزب سوسیال دمکرات سوئیس "
۴۵ از " وظایف پرولتاریا در انقلاب ما "
۴۶ از " مطالب مربوط به تجدیدنظر در برنامه حزبی "
۵۱ از " آیا بلشویکها میتوانند قدرت دولت را نگاهدارند؟ "
۵۸ سخنرانی در نخستین گذرگه تمام روسی زنان کارگر ۱۹۱۸
۶۰ از همپوشانی برنامه ج. ک. و. (ب)
۶۱ از " اشتکالی بررگ "
۶۴ وظایف جنبش زنان کارگر در جمهوری شوروی
۷۱ قدرت شوروی و موقعیت زنان
۷۴ به دفتر گذرگه زنان در فرمانداری پنروگراد
۷۵ به زنان کارگر

۷۶	عادباغ به کنفرانس تمام - روسی دیار تمانهای زنان فرمانداری شوروی
۷۷	درباره روز بین المللی زنان کارگر
۷۹	روز بین المللی زنان کارگر
	پیام تبریک به کنفرانس نمایندگان دیار تمانهای زنان خلقهای
۸۱	مناطق شوروی و جمهوریهای خلیج خلیج
۸۲	از "سالگرد چهارم انقلاب اکتبر"
۸۵	از "درباره اهمیت ماتریالیسم رزمنده"
۸۷	به کنفرانس غیرحزبی زنان کارخانه و دهقان شهر سکو و فرمانداری مکو
	پیوست:
۸۸	کلارا زتکین، "خاطرات من از لنین"
۱۱۷	توضیحات
۱۳۰	فهرست اماسی

★★★★★★★★★★★★

اختصارات

ب	بخش	ح	جلد
ش	شماره	ص	صفحه
و	ویراستار		

پیشگفتار

لنین در جریان فعالیت‌های انقلابی اغلب راجع به رهایی زنان کارگر بطور اعم و زنان روستایی بطور اخص می‌گفت و می‌نوشت. «ببینا» رهایی زنان بطور جدایی ناپذیری در گروه کل مبارزه برای عواطف کارگران، یعنی سوسیالیسم قرار دارد. ما لنین را بعنوان رهبر زحمتکشان، بعنوان سازماندهنده حزب و حکومت شوروی، و بعنوان یک رزمنده و سازنده می‌شناسیم. هر زن کارگر هر زن روستایی باید راجع به همه آنچه لنین انجام داد و هر جنبه کاروی بداند بدون آنکه خود را به آنچه لنین راجع به موقعیت زنان کارگر و رهایی آنها گفته محدود نماید. ولی بدلیل وجود رابطه بسیار نزدیک بین کل مبارزه طبقه کارگر و بهبودی وضع زنان، لنین اغلب در حقیقت، بهیچ وجه مورد - باین مسئله در سخنرانیها و مقالاتش اشاره نموده و هر یک از این اشارات بطور جدایی ناپذیری به همه آن چیزها که در زمانی جالب و مورد علاقه او بودند، پیوسته بوده.

رفیق لنین، از همان آغاز همیشه انقلابی‌ها را توجه خاصی به وضعیت زنان کارگر و روستایی و جنبه آنها به جنبه طبقه کارگر می‌نموده. لنین اولین کار عملی انقلابی را در سنت پترزبورگ (لنینگراد کنونی) انجام داده‌هایی که گروه سوسیال - دمکراتها را سازمان داده، گروهی که فوق العاده در میان کارگران سنت پترزبورگ فعال شدند، و اعلامیه‌های غیر قانونی منتشر کرده، و آنها را در کارخانه‌ها پخش می‌نمودند. اعلامیه‌ها معمولاً خطاب به کارگران بود. در آن زمان آگاهی طبقاتی نوده کارگران هنوز رشد کمی داشت و عقب مانده ترین آنها زنان کارگر بودند. آنها دستمزد ناچیزی دریافت می‌کردند و به

حقوقشان و قبحانه تجاوز میدهد. لذا اعلامیه‌ها معمولاً به مردان خطاب میشود (در اعلامیه خطاب به زنان کارگر کارخانه توتون سازی لاقهرم استثنای بی بودند).
 لنین همچنین اعلامیه‌ای برای کارگران بافندگی تورنتون نوشت (۱۸۹۵)
 و اگرچه زنان کارگر آنجا از عقب مانده‌ترین کارگران بودند، او اعلامیه را چنین عنوان نمود: «به مردان و زنان کارگر بافندگی تورنتون» «این یک مورد جزئی ولی خیلی مهم است».

زمانیکه لنین در تبعید بود، با تشکیلات حزبی (اولین کنگره حزب در ۱۸۹۸ برقرار شد) مکاتبه میکرد و مطالبی را که میخواست در نشریات غیرقانونی بنویسد، ذکر میکرد. در میان این مطالب جزوه «زنان و مسئله کارگران» [نیمه‌ساز] بود. در این جزوه لنین در نظر داشت وضع زنان کارگر کارخانه و زنان روستایی را تشریح کرده و نشان دهد که تنها راه نجات آنها از طریق حرکتشان در جنبش انقلابی است، و تنها بهروزی طبقه کارگر روستایی زنان کارگر و روستایی را به همراه دارد.

در سال ۱۹۰۱ در باره زنانی که در دفاع ابوخوف^۱ شرکت جسته راجع به سفرانی که کارگرن مارفا باکولوا در دادگاه نمود، لنین چنین مینویسد:
 «خاطره رفقای قهرمان ما که در زندان بقتل رسیده و شکنجه تا حد مرگ شدند قدرت رزمنده‌های جدید را ده برابر خواهد کرد و هزاران نفر را بکمک آنها بصف خواهد کشیده و مانند مارفا باکولوا هجده ساله آنها آفکارا خواهند گفت: «ما در کنار برادران ما هستیم!» علاوه بر تلافی‌های پلیسی و نظامیان بر علیه شرکت‌کنندگان در تظاهرات، دولت در نظر دارد با اتهام باغبگری آنها را محکوم نماید. ما با اتحاد نیروهای انقلابیمان و توفیق در جاسل سب کسانیکه تحت ستم استبدادی تزاریم میباشند، با آمادگی و بطور اصولی برای قیام همه مردم و با آنها مقابله به مثل خواهیم کرد!»
 لنین از نزدیک زندگی و شرایط کار زنان کارگر کارخانه روستایی و

زنان فاخر در صنایع دستی را مطالعه نموده.

لنین در دوران حبس وضع دهقانان را بوسیله گزارشات آماری علمی مطالعه کرده. او نفوذ صنایع دستی را رانده عشق روستائیان به کارخانه ها و نفوذ اعمال عده توسط کارخانه ها بر فرهنگ و نحوه زندگی آنها را مورد مطالعه قرار داده. در همین حال او همه این مایل را از نقطه نظر زنان کارگر بررسی نموده. او خاطر نشان ساخت که روحیه مالکانه دهقانی باری از جان کندنهای بومی را بر دوش زنان میگذارد (هر زن روستایی از خانواده پسر جمعیت تنها قسمت کوچکی از مهزی را که بر روی آن غذا میخورد پاک میکند و غذای جداگانه ای برای کودکان میپزد و گاو را با اندازه ای میدهد که تنها پسرای کودکان کافی باشد).

لنین در کتابی " توسعه سرمایه داری در روسیه " شرح میدهد که چگونه دارندگان اعیان و زنان روستایی را استثمار میکنند چگونه تاجران زنان تورباف را با استثمار میکنند و نشان میدهد که صنایع بزرگ زنان را رها می پند و کار در کارخانه ها دیدشان را وسیع مینماید آنها را با فرهنگتر و مستقل تر میازد و در عکس قیود زندگی پدرسالاری کمشان میکنند. لنین گفت که توسعه صنایع بزرگها برای رهای کامل زنان بوجود میآورد. این جنبه در مقاله " دست آورد فنی بزرگ " ۱۹۱۳ لنین شرح شده است. کارگران در کشورهای بورژوازی باید برای تساوی حقوق زن و مرد بجنگند.

لنین در تبیین مقدار زیاد از وقتی را برای تدوین برنامه حزب اخصاص داده. در آن زمان حزب هیچ برنامه ای نداشت. تنها يك برنامه پیشنهادی شده که بتوسط گروه " رهای کار " جمع آوری شده بود وجود نداشت. بررسی این برنامه در مقاله ای " پیش نویس برنامه حزب ما " و در تفهیر بنده قسمت عملی برنامه که " تجدید نظر در کل قوانین مدنی و جنایی و لغو تفهیمات املاک اجتماعی و مجازاتهایی که مغایر با شأن انسانی است " را مطالبه میکرده لنین نوشت که خوبست در اینجا اضافه شود: " تساوی کامل حقوق زن و مرد ".

کیدا زمن - ن. ک. کبر ۱۹۰۳ زما نیکه برنا معزب تصویب گردید ما بنما ده با نا ضا فند.

لنبن ۵ در ۱۹۰۷ ۵ در گزارش کذگره انترناسیونال در اشوتگارت ۳ با
رضایت ملاحظه کرد که کذگره اعمال فرصت طلبانه سوسیال دمکراتهای اتریش را ۵
که در حالیکه مبارزه انتخاباتی برای کسب حقوق مردان را هدایت میکردند، مبارزه
انتخاباتی برای کسب حقوق زنان را به ۵ تارپخی بعد ۵ ماکول مینمودند، محکوم کرد.
دولت شوروی تساوی کامل حقوق زن و مرد را برقرار نمود ۵ ما در روسیه
دیگر هیچ نوع زنان افکار فرومایه معذاب آور و بدنام حقوق زنان با عدم تساوی
جنسی ۵ [یعنی] آن بفاهای منفور نشود، لیس و فزون وسطایی که دوباره توسط بورژوازی
طامع ۵۵ در هر کشور دیگر دنیا بدون استثنا ۵ تجدید شده است، ما نداریم ۵۵

در ۱۹۱۳ در مطالعه اشکال دمکراسی بورژوازی و افشای حیل گسری
بورژوازی، لنبن همچنین مسئله فحشا ۵ پردها و نشان داد چگونه نمایندگان
بورژوازی داد و ستد بردگان سفید را تطویل کرده و بدختران در صنمرا تاجا و ز
میکردند، در همین حال حیل گرانه تظاهر بمبارزه علیه فحشا ۵ مینمودند ۵

لنبن در نوامبر ۱۹۱۹ بار دیگر باین مسئله مینویسد و مینویسد که
آمریکای ۵ آزاد ۵ متقدم ۵ در کشورهای فتح شده برای زنان خانه های فساد
مستری جلب میکرد ۵۵

در رابطه نزدیک با این مسئله، لنبن مسئله بچه دار شدن را بررسی نمود
و با رنجیدگی خاطر از توصیه اییکه برخی روشنفکران به کارگران در رابطه با
کنترل موالید میکنند، با استناد اینک فرزندان آنان محکوم به فقر و بدبختی
خواهند بود، نوشت: این يك نظر حربه بورژوازی است ۵ کارگران نظر دیگری
دارند، بچه ها آینده ما هستند، فقر و غیره، مینواند درمان پذیر باشند ۵
ما بر علیه سرمایه داری میجنگیم و زمانیکه بیروز شویم، آینده تابناکی برای
بچه ها بمان خواهد ساخت ۵۵۵۵

و سرانجام ۵ در ۱۲-۱۹۱۱ ۵ زمانیکه لنبن میتوانست بجهت انقباض
سوسیالستی نزدیک میشود ۵ چه عناصری برای ساختن سوسیالستی ضروری قلمداد
میشوند، چگونه میتوان نوده را بدین ساختمان کشاند، مخصوصا به نیاز کشاند
زنان کارگر به کارهای اجتماعی تکیه نمود ۵ نیازی که همه زنان را قادر

۵ صفحه ۸۷ این کتاب را ببینید ۵ و ۵

۵ لنبن ۵ ۵ ک ۵ ۵ هج ۵۳۰ ۵ مطالب به دومین کنگره تمام روسی از زمانهای کمونیستی
خلقهای عاورد ۵ ۲۲۵ نوامبر ۱۹۱۹ ۵ و ۵

مبازد برای منافع اجتماعی کار کنند. هیئت تا از مقاله‌ها پدید آید که در این دوره نوشته شده با این مسئله سروکار دارند که او آنها را به نیاز تشکیل زندگی اجتماعی تحت سوسیالیسم در خطوط جدیدی مربوط می‌آورد. لنین را بطور مستقیمی بهین آید و کشاندن عقب مانده‌ترین گروه‌های زنان به کار اداره کشور و نیاز به تعلیم دوباره توده‌ها در روند واقعی کار اجتماعی می‌دهد.

کار اجتماعی هنر حکومت را می‌آموزد. لنین قبل از انقلاب اکتبر نوشت: «ما عیال پرداز نیستیم. ما میدانیم که هر کارگر ناما هر با هر آهیزی نمیتواند فوراً کار اداره دولت را در دست بگیرد. ما در این مورد با کادرها با برعکس‌کارها و با شرطی موافقیم. اما تفاوت ما با این شهروندان در این است که ما طالب نقش فوری آن نظر متمصب که [می‌گوید] تنها ثروتمندان با ما موران برگزیده از خانواده‌های ثروتمندان قادر به اداره دولت و انجام کارهای روزانه اداری هستند می‌بایسیم. ما طالبیم که تعلیم کار اداره دولت توسط سربازان و کارگران با آگاهی طبقاتی رهبری شود و چنین آموزشی هر چه زودتر آغاز گردد یعنی که هر چه زودتر آموزش همه زحمتکشان همه فقرا برای این کار آغاز گردد.»

ما میدانیم که حکومت عو روی تا آنجا که میتواند برای کشاندن زنان کارگر در شهر و ده به کار اداری اقدام کرده است. و ما میدانیم که چه موفقیت‌های بزرگی در این زمینه کسب شده است.

لنین بگرمی از بیداری زنان عاوری استقبال میکند. زیرا اهمیت ویژه‌ای به اعتلای فکری طبقاتی که تحت ستم تزاریم و سرمایه‌داری بودند می‌داند. مبذول می‌داشت و کاملاً قابل درک است که چرا او آنها را بگرمی از کنفرانس‌های نمایندگی دیار تماینها زنان قلمروها و جمهوری‌های شوروی در عاوری استقبال کرد.

لنین در گفتگو از است‌آوردن‌های دومین کنگره انترناسیونال کمونیست اشاره کرد که «کنگره پیشگامانه کنفرانس بین‌المللی زنان کارگر که همزمان با

آن تفکرها بعد وابستگی‌ها را با جنبش کمونیستی زنان مستحکم خواهد کرد. •
 در اکتبر ۱۹۳۲ ما با نزدیک شدن سالگرد قدرت‌عوروی را مشاهده کرده و
 دست‌آوردهای خود را بر همه جبهه‌ها، عامل جبهه‌ها پس از آن جمع‌بندی نمودیم.
 ما میدانیم که زنان نقش بسیار فعالی در جنگ داخلی داشتند. خیلی از
 آنها در جنگ جان سپردند اما بسیاری دیگر در نبرد آبدیده شدند. بعضی از
 زنان به خاطر نقش فعالشان در مبارزه برای شوراهای جنگ داخلی بدر با فست
 • نغان در لنین‌گراد • ناپل آمدند. بسیاری از پارتیزانهای زن سابق اکنون
 مقامهای مهمی را اشغال کرده‌اند. زنان در آموختن رهبری کارهای اجتماعی
 متمرکز بوده‌اند.

کنفرانسهای هفتتایی^۵ يك مکتب کار اجتماعی هستند. طی ۱۵ سال تقریباً
 ۱۰ میلیون نماینده زن این مکتب را پشت سر گذاشته‌اند.

در زمانیکه ما با نزدیک شدن سالگرد انقلاب اکتبر را مشاهده میکردیم،
 ۲۰ تا ۲۵ درصد از وکلای شوراهای روسی، کمیته‌های اجرایی محلی و شوراهای شهری
 زن بودند. ۱۸۶ زن عضو در کمیته اجرایی مرکزی تمام - روسی و کمیته اجرایی
 مرکزی - چ - روس. وجود داشتند. آنها در این کار به طرح هر چه بالاتری
 ارتقا می‌یابند.

تعداد زنان عضو حزب کمونیست نیز پیوسته رشد کرده است؛ در سال
 ۱۹۳۲ تنها ۶۰,۰۰۰ نفر بودند ولی در اکتبر ۱۹۳۲ تعدادشان از ۵۰۰,۰۰۰ نفر بیشتر
 شده است.

اخیراً به سرعت زیادی در انجام وعده‌های لغین در رابطه با روسی
 کامل زنان بوقوع پیوسته است.

در چند سال اخیر صنایع بزرگ به‌طور عظیمی توسعه یافته است. اینها
 بر اساس تکنولوژی مدرن و تشکیلات علمی، تجدید سازمان یافته‌اند.
 شور سوسیالیستی جنبش تحریر کارگران که اکنون بطور وسیعی پذیرفته
 گفته و برخوردار می‌شود و نوین را بکار بر می‌انگیزد و باید گفت
 کسب زنان در این مورد از مردان عقب‌نهند. هر روز زنان کارگر بیشتر

و بیشتری را در صفا جلو مشاهده میکنیم که پشتکار و استقامت زیادی در کار از خود نشان میدهند. کار چیزی نیست که زنان باید بدان عادت نمایند. تحت رژیم قدیم زندگی زنان سرشار از کار سخت و بی پایان بوده ولی آن نوع کار کاری بود که بدیده حقارت بدان نگریده میشد و شهر بندگی داشت. و اکنون کارآموزی و استقامت در کاره زنان را در صفوف جلو سازندگان سوسیالیسم و قهرمانان کار قرار میدهند.

کلکتیویزه کردن کثا ورزی اهمیت بسزایی برای رها بی زنان داشت. لنین

از همان آغاز کلکتیویزه کردن کثا ورزی را بعنوان راهی برای تجدید سازمان آن که منطبق بر خطوط سوسیالیستی است میانگاشت. قبلا در ۱۸۹۶ لنین در کتابش "چه کسانی دوستان خلقند" کلمات مارکس را نقل میکند بدین معنی که پس از آنکه "مسائره از مسائره کنندگان" حاصل گشت، یعنی، آنگاه که املک از تصرف ملاکان و کارخانهها از تصرف سرمایه داران خارج شده کارگران آزاد در کوآپرها - نهوا متحد شده و مالکیت کمونی ("کلکتیو" و چنانکه لنین گوید) بر زمین و ابزارها تولید [یکه] آنها میآفرینند برقرار خواهد شد.

پس از انقلاب اکتبره که آغاز مسائره از مسائره کنندگان را هدف قرار داده حکومت شوروی مسئله سازماندهی آرتلها [تعاونها] و کمونهای کثا ورزی را مطرح نمود. توجه خاصی بدین مسئله در سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ داده شد. اما سالهای زیادی گشت (همچنانکه لنین بهیچ معنی نموده بود) تا کلکتیویزه کردن بصورت وسیع در آمد و ریشههای عمیقی گرفت. در سالهای جنگ داخلی، زمانیکه مبارزه طبقاتی کشور را فرا گرفته بوده بهت قدرت شوروی در همکدهها، کمک و همکاری فرهنگی که حکومت شوروی به نستان عرضه کرد همه اینها زمینه را برای کلکتیویزه کردن، که هم اکنون در حال توسعه و رشد بیشتری در مسائره بسدکولاکهاست آماده نمود.

زراعت نغانی کوچک و متوسط زنان را اسیر نموده آنها را با مسوور شخصی خانواری پایبند کرده و دستان را تنگ کرده آنها در حقیقت بردگان شوهرانشان بودند که اغلب آنها را بهرحمانه میزدند. کثا ورزی کوچک زمینه را برای منهب فراهم ساخت. نغانان میگفتند "هرکسی برای خودش و خدا برای همه". لنین این گفته را در موارد بسیاری نقل مینموده زیرا که آن

کاملاً حالت روانی مالک کوچک را بیان میکرد. کلکتیو بزرگ کردن حقان را از يك مالک کوچک به يك کلکتیو بست در کون ساخته و افراد حقانی و نقد منعی را از بین برده و برای زنان رهایی میآورد. لغین میگفت که سوبال همزمتها^۱ رهایی زنان را بهر آه میآورد. سخنان او اکنون به حقیقت میپیوندد. ما میتوانیم ببینیم چگونه موقعیت زنان در مزارع کلکتیو تغییر یافته است. کنگره زارعین همشو کلکتیو که در نیمه فوریه برگزار شد گواهی برجسته^۲ از پیشرفتهاست که در مزارع کلکتیو زمین حاصلخیزه است. اکنون ۲۰۰۰۰۰۰ مزرعه کلکتیو در مقایسه با ۱۰۰۰ مزرعه که قبلاً داشتیم وجود دارد. کنگره مسئله بهترین راه سازماندهی کار در مزارع کلکتیو را مورد بحث قرار داده زنان بسیاری میان هنیت نمابندگان بودند. سوبیانا یک زارع کلکتیو از منطقه سباه خاک مرکزی و سخنرانی عالی نمود که تحسین رعایای موجود آورده زن روشایی وقتی در مزرعه کلکتیو شراب تر با ز نر مقام رشد کرده می آموزد که چگونه حکومت کند و بر علیه کولها که دشمن بیفانسی او است سرخشانه بچندند

منصب پادشاه را از دست میدهد. اکنون زنان مزرعه کلکتیو به کتابها میآیند و میگویند: " شما همیشه بر کتابهای میباید که با آسانی میگوید عدای وجود ندارد. من اینرا بدون خواندن کتاب هم میدانم. بمن کتابسی بدهید که بگوید چگونه و چرا منصب بوجود آمد و چگونه و چرا از بین خواهد رفت." در چند سال اخیر رشد عظیمی در آگاهی سیاسی بوده با وجود آمدن است. دیارنمانها سیاسی در نهمینا همراهی ما همین و تراکنور^۳ (که عضویت در آن شامل سازماندهندگان زنان نیز میباشد) نه تنها به استحکام مزارع کلکتیو کمک میکنند بلکه بزارعین کلکتیو مردان و زنان و کمک مینمایند تا از بقایا و تعصبات [مولود] غیب مانده آنها و فرزندش زوده شوند. عدم تساوی حقوق زنان متعلق به زمان گذشته خواهد شد.

ده سال از روز مرگ لغین میگذرد. در این روز غمناک ما انجام تمام وعدههای لغین را بررسی مینمائیم. نتایج را جمع بندی میکنیم. وعده لغین در مورد رهایی زنان تحت رهبری حزب انجام پذیرفته است. ما به پیشرفت در

این راه ادامه خواهیم داد. ن. کروپسکاها ۲۰ نوامبر ۱۹۳۳

از " توسعه سرمایه‌داری در روسیه "

فصل ششم

مانوفاکتور سرمایه‌داری و صنعت خانگی

سرمایه‌داری [کوتاه شده]

بعلاوه، صنعت خانگی سرمایه‌داری ناچاراً موجب شرایط غیربهداشتی
 عدید کار می‌گردد. فتر بسیار شدید کارگره عدم امکان مطلق کنترل شرایط کار
 با هر نوع مقررات هو بکجا بودن محل کار و زندگی شرایطی هستند که
 زاغه‌های کارگران خانگی را به بسترهای گرم مراکز عفونی و بیماری‌های زحرفه
 تبدیل می‌نماید. در تاحیات بزرگ می‌توان برضد این عوامل جنگید؛ مهربان
 صنعت خانگی از این جهت، لیبیرال، ترین شکل استثمار سرمایه‌داریست.
 روز کار بسیار طولانی، نیمه‌حصه، لازم کار در خانه برای سرمایه‌دار
 و سایر عام منابع کوچک است. شواهدی وجود دارند که نشانده طول روز کار در
 کارخانه‌ها و در میان کارکنی‌سازان را بیان می‌کنند.
 کشاندن زنان و بچه‌های خردسال به تولید، تقریباً همیشه در صنعت
 خانگی مشاهده می‌شود. برای بیان این مطلب، بگذارید چند فاکتور از توصیفی
 از منابع زنان فرمانداری نیکو ذکر کنیم. ۱۰,۰۰۰ زن در پنجه روسی
 درگیرند؛ بچه‌ها کار را از سن ۵ یا ۶ سالگی شروع می‌کنند (!)؛ مستمره
 روزانه ۱۰ کوبک و سالانه ۱۲ روبل است. روز کار در منابع زنان عمدتاً
 بیش از ۱۸ ساعت است. در صنعت بافندگی بچه‌ها از ۶ سالگی کار را آغاز
 می‌نمایند و مستمره روزانه آنها ۱۰ کوبک و سالانه ۲۲ روبل است. رو به‌رفته
 ۳۷,۵۱۴ زن در منابع زنان اشتغال دارند؛ آنها کار را از ۵ یا ۶ سالگی
 شروع می‌کنند (در ۶ صنعت از ۱۹ صنعت، که در این ۶ صنعت ۳۲,۸۰۰ کارگر زن کار
 می‌کنند)؛ مستمره متوسط روزانه ۱۳ کوبک و سالانه ۲۶ روبل و ۲۰ کوبک

است . *

یکی از ضررترین جنبه‌های صنعت سرما به ناری خانگی اینست که به کاهش سطح حواص کارگر میانجامد . کارفرما قادر است که کارگران را در سواصی دور افتاده‌ای استخدام کند که در آنجا سطح زندگی معمول مخصوصاً با زمین بوده و وابستگی به زمین او را قادر می‌سازد که با مقرری اندکی کار کند . برای مثال صاحب يك موزه جوراب بافی يك ده شرح میدهد که در مکه اجاره نران است و بملاوه به بافندگان * باید نان سفید ناده . . . در حالیکه در اینجا کارگران کار را در کلبه‌های خویشان انجام میدهند و نان سیاه میخورند . . . حالا چگونه مکه میتواند با ما رقابت کند ! * در صنعت پنبه ریمسی دلیل دستمزدهای خیلی کم اینست که برای همسران ، دختران ، و بستگان دیگر در خانه‌ها این تنها منبع درآمد است . * بنا بر این ، دستم را این در این تجارت ، دستمزدها را برای کسانی که این تنها وسیله معاششان است ناخدا نثر با زمین می‌آورده دستمزدها و آنها پیرا که معاششان منحصراً از کار در کارخانه بشود می‌آید . بکنند از حدانک نیازهایشان کاهش میدهد با ارتقای سطح زندگی‌شان را کند میکند . در هر دو مورد شرایط عدلدا غیر طبیعی بوجود می‌آورد . * آقای خارپز و منوف میگویند : * کارخانه بدنیبال ریسندگان ارزان می‌گردد و آنها را در روستاهای محلی - خان و خیلی دور از مراکز صنعت می‌باید . و این حقیقت بی شبهه‌ای است که هر چه از مراکز صنعت دورتر و بنواصی بیرونی تر برسیم دستمزدها بیوسته کاهش می‌یابند . * بنا بر این ، کارفرمایان کاعلا و به بهترین نحوی فائز از شرایطی که بطور مصنوعی مردم را به مناطق روستایی می‌شدنموده ، استفاده نمی‌کنند .

* مادام گور بونووا ، که صنایع زنان را شرح میدهد بظلم دستمزدها را بترتیب ۱۸ کوبک و ۳۲ روبل و ۲۲ کوبک می‌نویسد ، زیرا او تنها ارقام میانگین را برای هر صنعت در نظر گرفته و تفاوت در معاد زنان کارگر در صنایع مختلف را به حساب نمی‌آورد .

* گزارشات آماری برای فرمانداری مکه ، ج ۲ ، ص ۱۰۶ .
 * همانجا ص ۲۸۵ . * صنایع فرمانداری ولادیمیر ، ج سوم ، ص ۱۳۵ رجوع کنید به همانجا ، ص ۲۵۰ .

فصل هفتم

صنعت ماشینی بزرگ [کوتاه شده]

صنعت ماشینی بزرگ، نوده‌های کارگران را که اغلب از قسطنطنیه مختلف کشور می‌آیند منجر کزتر میکند، بقایای فرهنگ پدرسالاری و وابستگی عصبی را مطلقاً نمیتواند تحمل کند، و حقیقتاً با * برخورد اهانت آمیزی به گذشته * منحصراً میشود و این جنبش گسنگی با فرهنگش از دور خارج شده یکی از شرایط اصلی است که موجب آن جنبش این امکان و بهینا به این ضرورت میشود که تولید تنظیم و احکام کنترل عموم درآید. بویژه * در صحبت از دگرگونی که کارخانه در شرایط زندگی مردم بوجود آورد * باید گفته شود که کشاندن زنان و مردان سالان به تولید * در اصل منرفیات * این غیرقابل انکار است که کارخانه را * در * در این دو مسئله از مردم کارگر را بر سرآمدت قرار میدهد و برای آنها بخصوص ضروری است که روز کار را تنظیم و کوتاه کنند شرایط بهداشتی کار را تنظیم کنند و غیره * ولی کوششهایی که کاملاً کار زنان و مردان سالان در صنعت را منع نموده با نحوه زندگی پدرسالاری را - که این نوع کار را منع میکنند ادامه داده ارتجاعی و * حیالمانانه خواهد بود * با تلاشی اندراند بشری و این * صورت از مردم - که قبلاً مرکز از دایره زندگی و روابط اجتماعی خارج شده بودند و با کشاندن آنها به حرکت مستقیم در تولید اجتماعی * صنعت ماشینی بزرگ رشد آنها را برمی انگیزد و استقلال آنها را می‌آزاید. به عبارت دیگر شرایطی از زندگی را می‌آفریند که بطور غیرقابل مقابله، ما فوق زندگی بی تحرک پدرسالاری مناسبات ما قبل سرمایه داریست *.

* کتابت ۳ - شماره ۱۸۹۲ نوشته و تحت بدکل کتابی در پاریس ۱۸۹۹ چاپ شده.

* بنابه * راهنما * کارخانه‌های روسیه اروپایی در ۱۸۹۰ کلا ۸۷۹۲۶۴ کارگر در این صنایع داشتند ۲۱۷۲۰۷ (۲۲۶) زن * ۱۷۲۹۳ (۲۲) پسر و ۸۱۲۶ (۲۱) دختر بود.

** * با فتنه زن بدبخت بدنبال پسر و مادر با عوهرش به کارخانه می‌رود و همراه



بقیه از صفحه قبل :

با آنها مستقل از آنها کار میکنند. و همان قدر نان آوراست که مردنان آوراست. در کارخانه ... زن که مذبذب تولیدکننده مستقل بعد از شوهرش میباشد. با سودی در میان کارگران زن کارخانه با سرعت چشمگیری گسترش مییابد. (صفا بیع فرمانداری ولادیمیر سوم ۱۱۳۵ ۱۱۳۸ ۱۱۴۵ و جاهای دیگر). آفای حارهر و صنوف کابلخ دارد که نتیجه زهر را بگیرد. صنعت و وابستگی اقتصادی زن به خانواده ... و به شوهر را نابود کرده است. در کارخانه زن با مرد برابر است. این برابری هرولتارها به است ... سرمایه داری کردن صنعت عامل مهمی در مبارزه زن برای استقلال وی در خانواده است. صنعت موقعیتی نوین برای زن میآفریند که در آن او کاملاً مستقل از خانواده و شوهر است. (پوریدجکی و سننیک ۱۸۸۳ ۱۸۸۴ ۱۸۸۵ ص ۵۸۲ ۵۹۱) در گزارشات آماری برای فرمانداری مسکو (ح هفتم و دوم مسکو ۱۸۸۲ ص ۱۵۲ ۱۳۸-۹) بررسی کنندگان و مومنت زنان شاغل در جوراب بافی با دست و با ماشین را مقایسه میکنند. مزد روزانه کارگران نسبی حدود ۸ کوبیک و کارگران ماشینی ۱۱ تا ۳۰ کوبیک است. شرایط کارگر زن تحت تولید ماشین بقرار زهر توصیف شده. در مقابل ما زنی آزاد و جوان میباشد که هیچ مانعی در راهش نیست. از خانواده و مرز تمام آنچه که مشتمل بر شرایط زندگی زن روستایی است رهایی یافته است. زن جوانی که در هر لحظه ممکنست جایی را برای [رفتن] به جایی دیگر و کارفرمایی را بخاطر دیگری ترک کند. ممکنست هر لحظه خود را بدون شغل ... بدون يك خوردن نان بجا بدد. تحت تولید نسبی درآمد یافته بسیار ناچیز و معنی برای هرینه غذا پشنا کافی است. درآمد او تنها آنگاه مکنفی میشود. او بعنوان يك عضو خانواده زمین تار و زارع از بخشی از محصول آن زمین منع ببرد. تحت تولید ماشینی و کارگر زن درآمدی بپدر از [سارح] غذا و جای بدست میآورد که او را قادر میکند. تا دور از خانواده زندگی کرده و بدون درآمد خانواده از زمین گنران کند. علاوه درآمد کارگر زن در صنعت ماشینی و تحت شرایط فعلی و تضمین شده است.

از "پیش نویس برنامه حزب سوسیال - دمکرات کارگری روسیه"

[ب] "حکومت خودکامه تزاری برجسته ترین بقایای میهن سرفشاری و نژادپرستانه ترین با روی همه این بربریت - خطرناکترین و تلخ ترین دشمن جنبش رها تبیخش پرولتری و به شرف فرهنگ روسیه مردم است."

[پ]

بدین دلایل "حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه" [اینجا] به وظیفه مبرم سیاسی پیش میکند: سرنگونی خودکامگی تزاریستی و جان کشیدن آن بسا جمهوری که بر پایه احاطه های دمکراتیک بوده و [مفاد ذیل را] تا مینماید:

- ۱) حکومت مردمی و معنی و تمرکز قدرت عالی به دولتی در دست مینماید یکپاره از نمایندگان مردم تشکیل میشود.
- ۲) حق رای همگانی و مساوی و مستقیم و هم در انتخابات مینماید و هم در انتخابات سازمانهای محلی خودمختار و برای مرتبه های که به ۱۲ سالگی رسیده است برای مطلق تر هر نوع انتخابات و حق هر رای دهنده برای انتخاب شدن در هر یک از مجالس نماینده و مقرری برای نمایندگان مردم.
- ۳) عدم تجاوز به حر و مسکن اتباع.
- ۴) آزادی نامحدود آگاهی و بیان و مطبوعات و تجمعات و حق اعتصاب و تشکیل اتحادیه ها.
- ۵) آزادی تفهیم مکان و شغل.
- ۶) الفاء املاک عالمه: تساوی حقوق کامل همه اتباع و صرف نظر از جنس و دین و با نژاد.
- ۷) شناختن حق خودمختاری برای همه ملت های که قسمتی از دولت را تشکیل میدهند.

* از اینجا منتهی که کمیته با اتفاق آراء تصویب کرد آغاز میشود.

- (۸) حق اتباع برای تحت تعقیب فرار دادن ما مورینه بدون گذارت قبلی به ما فوق آن فرد.
- (۹) صلح کردن عمومی مردم بجای انامه ارتش دایم.
- (۱۰) تفکیک کلیه از دولت و مدرسه از کلیه.
- (۱۱) تحصیل همگانی، راهبان و اجباری تا ۱۶ سالگی، تهیه غذا، لباس و لوازم تحصیلی برای بچه‌های نیازمند توسط دولت.
- [ت]

برای حمایت از طبقه کارگر و افزایش طرفیت جنگی وی^{۳۳} حزب سوسیال - دمکرات کارگر روسیه مطالبه میکنند که :

- (۱) روز کار به ۸ ساعت برای همه کارگران مزدگرم محدود شود.
- (۲) وضع مقررات قانونی برای مدت استراحت هفتگی برای کارگران مزدگرم مرد و جنس زن و مرد [عادل در همه رشته‌های اقتصادی ملی بشرطی کمتر از ۳۶ ساعت متوالی نباشد].
- (۳) منع هر نوع ساعات اضافه کار.
- (۴) منع شبکاری (از ۹ شب تا ۵ صبح) در همه رشته‌های اقتصادی ملی با استثنای رشته‌هایی که بدلائل تکنیکی ضروری میباشد.
- (۵) منع کار فرمایان از استخدام اطفال کمتر از ۱۵ سال.
- (۶) منع کار زنان در کارخانه‌هایی که مضر برای سلامتی زنان مضر است.
- (۷) وضع قانون مسئولیت مدنی کار فرمایان در مقابل نقض کامل یا جزئی عضو کارگران در اثر سوانح و با عرابط مضر کار^{۳۴} عدم نیاز بانجبات مسئولیت کار فرما برای نقض عضو کارگر.
- (۸) منع پرداخت دستمزد بصورت جنسی^{۳۵}.
- (۹) پرداخت حقوق بازنشستگی به کارگران متن^{۳۶} که فاقد قابلیت [برای کار]

- فری پیشنهاد کرد که آغاز این پارگراف بترتیب زیر تغییر یابد و خواند شود :
- برای حفاظت از فساد ندره‌های روحی و جسمی طبقه کارگر و همچنین برای افزایش طرفیت جنگی در مبارزه برای رهایی^{۳۷}
- فری پیشنهاد کرد که مطلب زیر در اینجا (بر همان عبارت) گنجانده شود :
- که قانون باید پرداخت مزد هفتگی برای همه کارگران استخدام شده بهمانسی را وضع کند^{۳۸}.

شده اند.

۱۰) امرا به تعداد بازرسان کارخانه ها و انصاف بازرسان زن در کارخانه ها می که کارگران زن بیشتر هستند؛ نظارت بر رعایت قوانین کارخانه توسط نماینده آنان منتخب کارگران که از دولت حقوق بگیرند؛ نظارت بر نرخهای [کارهای] فصلهای و رد [عدم پذیرش] کار انجام شده نیز با بستن توسط نمایندگان منتخب کارگران باشد.

۱۱) نظارت ارکان حکومت خود مختار محلی، با همکاری نمایندگان منتخب کارگران، بر شرایط بهداشتی محلها میسکونی تهیه شده برای کارگران از جانب کارفرمایان و همچنین رعایت مقررات اجرایی قوانین محلها میسکونی و شرایطی که آنها را اجاره میکنند؛ به خاطر حمایت کارگران مزدگیر از بحالت کارفرمایان در زندگی و فعالیت های عمومی انبعاث و افراد.

۱۲) تأسیس تشکلات کامل و محکم جامع بازرسی بهداشتی برای نظارت بر شرایط کار در تمام بنگاههای [موسسات اقتصادی] بکه کارگر مزدگیر استخدام می نماید.

۱۳) گسترش فعالیت های "بازرسی کارخانه ای" به صنایع هنروری و خانگی و کارستی و بنگاههای دولتی.

۱۴) مقص قوانین حمایت کارگران قانوناً قابل مجازات گردد.

۱۵) منع کارفرمایان از هرگونه کسور از دستمزد بر هر اساس یا بهر منظور (جریبه و عدم قبول و غیره).

۱۶) با برگردن شوراهای ناوری کارخانه ای در همه ی رخنه های اقتصاد ملی، مسا میندان مساوی از کارگران و کارفرمایان.

در اواخر ژانویه و اوایل

فوریه ۱۹۰۲ نوشته شد.

«کمیته» ج ۱

از "کنگره سوسیالیستی انترناسیونال در اشتوتگارت"

فصلنامه حق‌رای‌رسان نیز با نقای آراء پذیرفته شده تنها بی‌زن‌نگی
از جامعه فابیایان^۱ تبعه-پورزوا^۲ معارض بودن مبارزه به برای حق‌رای‌کامل
زنان بلکه حق‌رای محدود به ^{تساوی} صاحب‌دارایی هستند دفاع نمود.
کنگره بدون شرط اینرا رد نمود و مدعی زنان کارگر در مبارزه برای حق‌رای
و نه در رابطه با هوا-اران پورزوایی حقوق‌رسان و بلکه در رابطه با احزاب
طبقاتی پرولتاریا و اعلام (موضع) کرده کنگره تصمیم داد که در مبارزه برای
حق‌رای زنان لازم بود اصول مو-بالسرم و حقوق مساوی زن و مرد بدون تحریف
آن اصول بعاضی مصلحت-با برجا بماند.

در این رابطه احتیاط عقیده جالبی در کمیسیون سرمایه‌انترشیپها
(ویکتور آدلره آدلره ادلها بد بوپ) تا کنیکشان را در مبارزه برای حق‌رای عمومی
مرنان (اینگونه) توجیه کردند: برای خاطر موفقیت این حق‌رای و آنها
مقرون به صلاح میدانند که در مبارزه و مطالبه حق‌رای زنان را هم بی-مستثنی
نکشند. سوسیال‌دمکراتهای آلمانی و بعضی کلارا رنگین و سرعینه این نظر-در
زمانیکه انترشیپها برای حق‌رای عمومی مبارزه می‌کردند - اعتراض نمودند.
رنگین در مطبوعات اشهار داشت که آنها تحت هیچ شرطی نمی‌توانند از مطالبه
حق‌رای زنان عفت می‌کردند و انترشیپها فرست‌طلبانه اصول را فدای
مصلحت کردند و اگر آنها با همان انرژی برای حق‌رای زنان می‌جنگیدند
[نه تنها] جامعه آرناسیونال را کم نکرده بلکه آراء وسیع تر نمودند
و بر بیروی بعضی ملی سیرمیا فرودند. رنگین در کمیسیون توسط رسر و رن
نامور دیگری از سوسیال‌دمکراتهای آلمانی از صمیم قلب حمایت شده. تصمیم
آدلره که عبرت منضم تا کنیک انترشیپ را توجیه می‌کرده تا رای ۱۲ به ۹ مردود
شد (این تصمیم بجای اینکه مبارزه برای حق‌رای همیشه با بستی مطالبه

حقوق مساوی زن و مرد را در بر داشته باشد فقط بجای مکتوب که در مبارزه برای حق رای که در واقع همه انواع را فرا میگیرد بیا بدستمدبلی ناده شود. !
 گفته شد که کمیسیون و کنگره بدقیقتترین وجه در کلمات زیرین که زیر سر
 قول الذکر در سخنرانیهی در کنفرانس زنان سوسیالیست بین المظلی گفته
 ممکنست بیان شود (این کنفرانس در اشتوتگارت و همزمان با کنگره انجام
 پذیرفت)
 زبتر گفت :

• در اصول ما باید همه آنچه را صحیح میدانگاریم مطالبه
 نمائیم و تنها زمانی که نیکو نبیرو بجا زهرای مطالبه بیشتر کافی نیست
 آنچه را قادر به بدست آوردن هستیم قبول کنیم. این
 همیشه تا کتیک سوسیال دمکراسی بوده است. هر چه مطالبه
 ملاحظه با شده امنیازها و حکومت [بما] نیز معتدلتر خواهد
 بود.

این جروب بحث بین زنان سوسیال دمکرات انریتی و آلماسی خواننده را
 قادر مبارزه که ببینند چگونه بهترین مارکست ها درختان عملیه کوچکترین
 انحراف از اصول منطبق با تا کتکیهای انقلابی بر خورد مینمایند.

در سیتا مبر ۱۹۰۷ نوشته شد.
 در سیتا مبر ۱۹۰۷ در کالندر
 دلجا فصح ۱۹۰۸ منتشر شد.

• کلمات ۱۳ ح

اروپا بیپهای متمدن و آسیا بیپهای وحشی

را تشنه‌ترین و سوسپال دمکرات بنام انگلیسی و حادثه‌های آموخته و نمونه را که در هند انگلستان روی داده است از مطبوعات کارگری آلمان نقل میکند. این حادثه بهتر از هر جزو و بحث دیگری آشکار میسازد که چرا انقلاب رشد سرمایه در هند با نفوس بیچاره از ۳۰۰ میلیونیش نادره.

آرنولد به یک زورنا لیست انگلیسی و که روزنامه‌های براندگون و شهرهای بزرگ (با بیچاره از ۲۰۰،۰۰۰ نفوس) بر یکی از ولایات هندی بیرون میهد و مقاله‌ای تحت عنوان: «یک تقلید از دادگستری انگلیسی» منتشر کرده و یک قاضی محلی انگلیسی بنام اندرو را افشاء میسازد. برای انتشار این مقاله آرنولد به ۱۲ ماه زندان محکوم شده اما او پیروشی خواست و با پارتنرها بیکه در لندن داشت و قادر شد که پرونده را به دادگاه عالی در برهمنانها بکناند. حکومت هند بعجله محکومیت او را به ۱ ماه کاهش داد و آرنولد آزاد شد.

این همه سروصدا درباره چه بود؟

یک سرگرد انگلیسی بنام مککورمیک معشوقه‌ای داشت که مستخدمش یک دختر ۱۱ ساله هندی بنام آینا بود. این نما بنده خوش بزر متمدن آینا را اغوا کرده و با طافش مجبور با او تجاوز جنسی نموده و در منزلش حبس مینماید. قضیه چنین اتفاق افتاد که پدر آینا در حال مرگ بود و بدنبال دخترش فرستاد و آنوقت بود که همکده‌ای که او در آن زندگی میکرد از کل داستان آگاه شد. مردم از خشم بجوش آمدند و پلیس مجبور به دستگیر کردن مککورمیک شد.

اما قاضی اندرو او را با قید کفیل آزاد کرده و بعد او را همی از تعبیر محرمه ننگ آمیز را عدالت و تیرنه میکند. سرگرد خوش بزر همسرم چنانکه جنتمن های نجیب‌المنب معمولاً تحت چنین شرایطی انجام میدهد و اظهار داشت که آینا روسپی بوده و در اثبات آن پنج شاهد آورده و در

« آنکه ، شاهدی که مادر آینا آورده بود حتی توسط قاضی اندرو با زجوبی
 رسید »

زمانیکه آرئولد زورمالیت بجرم توهمین معاکمه شده رئیس دادگاه ،
 « حضرت اقدس » سر چارلز فاکس اچاره مداد که او شاهدان را برای دفاع
 از خود فراخواند .

سرای هر کسی باید واضح باشد که در هند هزاران و میلیونها جنیسن
 واردی رخ میدهد . تنها شرایط متفق استنباطی آرئولد « توهمین کننده » (پسر
 بیث زورمالیت با نفوذ لندن) را قادر ساخت که از زندان بیرون بیاید و
 سرای این مورد، توجه عامه را جلب کند .

فراموش نکنید که لیبرالهای انگلیسی « بهترین » افراشان را درراس
 امیراناری هند میگزرانند . چندی پیش جان مورلی - نویسنده مشهور رادیکال «
 « نبر معرفت اروپا » و « حضرت اجل » در چشم همه لیبرالهای اروپا و روسی
 فرمانداری هند ، رئیس مکزورمیکها ، اندروها ، و فاکسها بود .
 روح « اروپا » همانکون در آنها بیدار گشته ، خلقهای آسیا دارای
 نفس دمکراتیک شده اند .

« پراودا » هن ۵۸۲

۱۴ آوریل ۱۹۱۳

« کلیات » ، جلد ۱۹

يك دست آورد فنی بزرگ

و هلیام رمزی و شیمی‌دان استرالیایی مشهور جهان و مندی کشف کرده اند که مستقیماً گاز را از رگه‌ها و زغال سنگ دست‌آمورد - رمزی هم اکنون مسئول فنی برار دادو با صاحب‌کار زغال سنگی مینی بر کار سرد حلی این ماده است. اما برای این یک مسئله عظیم مدرن تکنیکی برای حلی نزدیک میشود. انقلابی که ارجینس راه حلی تاثیر خواهد پذیرفت بی‌شک خواهد بود.

در حال حاضر برای کار استرزی معنوی آن و زغال بسمه نقاط کشور منتقل میشود و در کارخانه‌ها و منازل سینتاری مسوده.

کشف رمزی بمعنی یک انقلاب عظیم فنی در این و احتمالاً مهندسی و رشته نولمدی در کشورهای سرمایه‌داری است.

رمزی مندی را کشف کرده است که درست در حاشیه زغال سنگ قرار دارد و زغال را بدون کشیدن آن سطح رمزی و تبدیل به گاز میکند. مسدود متشابه اما ساده‌تر گاهی اوقات در کان‌های سنگ‌نگار می‌رود. آن سنگ مستقیماً به سطح زمین آورده میشوند و بلکه در آب حل شده و محلول به مالانگ زده میشود.

مند رمزی زغال معادن را با سنگ‌های عظیم الجثه و نطفیر سنگ گاز تبدیل میکند. کار برای رساندن مونورها و کاری - که دوسر از مونورها و سنگار استرزی از زغال سنگ شده سنگار می‌رود. در عین و مونورها و سنگار استرزی را به بری تبدیل میکنند که تکنولوژی مدرن هم اکنون میتواند سه اقصا نقاط بفرستد.

چنین انقلاب تکنیکی هر چه الکتریک را به یک پنجم با حتی یک پنجم قیمت کنونی کاهش میدهد. مقدار بسیار زیادی از کار انسان که اکنون در استخراج و توزیع زغال سنگ می‌رود تعبیه خواهد شد. استفاده از ناچیزترین رگه‌ها که اکنون سنگار نامیده می‌شود خواهد شد. هر چه روش‌های گرمایی منازل بمقدار زیادی کاهش میدهد.

چنین کنفی انقلاب عظیمی در کارخانه بوجود خواهد آورد.
 اما عواقبی که این انقلاب در زندگی اجتماعی بمثابه يك كل تحت بنم
 کموسی سرمایه داری - خواهد داشت، از آنچه چنین کنفی تحت سوسیالیزم خواهد
 داشت، کاملاً متفاوت خواهد بود.

تحت سرمایه داری "تعطیل" کار میلیونها معدنی درگیر استخراج زغال
 ساچار موجب بیکاری توده، ازدهاد عظیمی در فقر، و بدتر شدن شرایط [کار]
 کارگران خواهد شد. و منافع چنین کشف بزرگی به جیب مورگانها، راکفلرها،
 رباپوشینسکیها، موروزوفها، و ملتزمینشان - وکلا، مدبران، بیروفسورها،
 و سایر جاگران سرمایه - خواهد رفت.

تحت سوسیالیزم کار برد متد ریزی، که کار میلیونها معدنی و غیره
 را "تعطیل" خواهد کرد، فوراً تقطیل ساعات کار را برای همه از ۸ ساعت به
 مثلاً ۲ ساعت و حتی کمتر امکان پذیر خواهد ساخت. "الکتریکی کردن"
 همه کارخانهها و راه آهنها شرایط کار را بهداشتی تر خواهد نموده و میلیونها
 کارگر را از [شر] دود، خاک و کثافت نجات خواهد داده و تبدیل تعمیرگاه
 های کثیف و زرننده را به لابراتورهای تمیز، روشن که شایسته انسان است،
 تسریع خواهد نموده. روشنایی و گرمای الکتریکی در منازل، میلیونها برده
 خانگی را از نیاز به گدازیدن $\frac{1}{4}$ زندگی ایشان در آشپزخانه های بدبو رها
 خواهد کرد.

تکنولوژی سرمایه داری، روز بروز بطور اهرابنده ای از شرایط
 اجتماعی - که زحمتکشان را به بردگی مزدبری محکوم میکند - فراتر می رود.

"پراودا" ۱۹، ۲۱ آوریل

سرمایه‌داری و کار زنان

جامعه سرمایه‌داری مدرن مطلقاً هیچ‌گونه استوار مواردی به‌شمار فقر و تنگی که مستقیماً قابل رویت نیستند، خانواده‌های پراکنده مردم طبقه متوسط، هنر-وران و کارگران کارخانه، منشی‌های و نوکران دولتی دون [با به] به‌طور توصیف‌ناپذیری فقیر بوده و در بهترین حالات سختی از عهده مخارج خود برمی‌آیند.

میلیون میلیون زن در چنین خانواده‌هایی بعنوان بردگان خانه زندگی میکنند (یا دست‌نرسم و خودبیت‌مودا ادامه می‌دهند) و با کوشش باس‌آور روزانه نقلاً دارند که خانواده‌هایشان را با چند سکه سی‌غذا و پوشاک بدهند و در هر چیزی بقیه از کار هوششان منتفع باشند.

از میان این زنان آنکه سرمایه‌داران با اشتیاق فراوان کارگرانی را استخدام میکنند که حاضرند در منزل کار کرده و با تنمزد بسیار نازل‌سی سکه‌ای نان خشک بیشتر برای خود و خانواده‌هایشان «بدست بیاورند». از میان آنها آنکه سرمایه‌داران همه کشورها (مانند برده‌داران دوران باستان و اربابان فئودال قرون وسطی) به «نازترین» قیمت هر تعداد صیفه‌ای را بر میگزینند. هیچ «اهانت اخلاقی» (مکارانه بر ۹۹ درصد موارد) در مورد فحشاء و نمیتواند کاری کند تا از تعارت بدن زنان جلوگیری شود تا زمانیکه بردگی مزدوری وجود دارد، فحشاء بناچار باید ادامه داشته باشد. در طول تاریخ جامعه همه طبقات تنم‌کشیده و استثمار شده همیشه مجبور بوده‌اند (استثمار آنها عبارت از این است) که ابتدا کار بدون دستمزد عسوسه‌را و سپس زنانشان را به استثمارگران ارائه دهند تا صیفه‌گان «اربابانشان» بکشند.

برده‌داری و فئودالیسم و سرمایه‌داری از این لحاظ شبیه یکدیگرند. تنها

شکل استثمار تغییر می‌یابد، استثمارگری باقی میماند.

در پارسی‌ها به‌بخت دنیا، مرکز تمدن ما کنون تعمیرگاهی از کار زنان

کار در انشمار شده که در منازلشان استخدام شده‌اند برپات.
 هر گاه نوعی نمونه برجسی دارد که شان میبند رسی نه در منزل
 کار میبند چقدر برای آن دریافت داشته و چقدر میبند سه اسب رور و هر
 ساعت در ساعت دارد.

چگونه این امکان دارد؟ رسی که در منزل کار میبند تعیین‌اند بیش از
 ۵۰ و ربع فراتر یعنی ۵۰ کبک برای هر قلم بدست آورده اکثر مشاغل مزید ایسی
 سی اسباره بارلتر از کارخانه دارند. مثلاً آنا زورازیرا در فتر میبندیم
 - هر دو عین چهار کبک، با پانتهای کاعدی هر هزار تا ۱۵ کبک، با مرد ۱ کبک
 در ساعت و سپس اسباب بازیهای کوچک روبانی، و غیره ... همنند که دو و نیم
 کبک در ساعت، گتهای مصنوعی که دو یا سه کبک در ساعت، و ریبوتور مرمانه و
 ریانه - از ۱ تا ۱ کبک در ساعت مرد میبندند. و همین سوال تا آخر.
 اسبابها و تربیدیوسینهای کارگری ما بایستی "نمایشگاه" مناسب
 برپا کنند. این نمایشگاه آن حوسر شارحاطلا از نمایندگانها بپرا که توسط سوزوواها
 را میبندند تولید نخواهد کرد. بک نمایشگاه فقر و نیاز زنان پرولتاری
 منافی از نوع دیگر خواهد آورد. به بردن مردی مرمان و مردان کسک
 خواهد کرد تا شرایط خوبتر را نتجس همنند، به زندگیهایشان نگاه کرده و
 ساندینند که چگونه خوبتر را از ستم اسدی فقر نیاز، فتنه و سایر
 تحفیرات وارده به فقیران نجات بچینند.

در ۲۲ آوریل (۱۰ مه) ۱۹۱۳

نوشته شد.

در پرا و دانهش ۱۰۶ و ۵۵ مه ۱۹۱۳

منتشر شد.

• زیبات • چاپ بمحم (روسی) چند ۲۳

طبقه کارگر و نثوما لتوسیا نیزم^{۱۱}

در گذرگه پزشکان پیروگوف^{۱۲} روی مسئله فقط چنین توجه زیادی شد و بحثی طولانی در گرفت. گزارش توسط لیموکوس تهیه شده بود، که ارفامی مبنی بر اجرای بسیار متداول فقط جنین در ممالک با اصطلاح منمندن کنونی ذکر نمود.

در نیویورک ۸۰۰,۰۰۰ فقط جنین در یکسال و در فرانسه تا ۳۶۰۰۰ در ماه انجام یافته است. در سنت پترزبورگ درصد فقط جنین طی پنج سال بیخ از دو برابر شده است.

گذرگه پزشکان پیروگوف قطعاً مادی تصویب کردند مبنی بر عدم هرگونه مداخله جنایی مادری که فقط جنین مصنوعی نموده و مداخله پزشکان تنها زمانی که این عمل را برای « مقاصد سوذجوبانه » انجام داده اند.

اکثراً در بحث موافقت نمودند که فقط جنین نجیبی قابل مجازات باشد و طبعا به مسئله با اصطلاح نثوما لتوسیا نیزم (استفاده از طریق ضد حاملگی) نیز مانند جنبه اجتماعی این مسئله بر مورد شد. برای مثال، آقای وپگدورجیک گفت، مطابق گزارشی « روسکوبه سلوود »^{۱۳}، « از طریق ضد حاملگی با هستی رعداً ما استقبال کرده » و آقای اسنراخان در میان ابراز احساسات فریاد برآورده:

« ما بایستی مادران را متقاعد کنیم که اگر میخواهد از [شرکت] در مواسات آموزشی محروم بمانند، تا بتوان برایشان فرعه کشیده تا کارشان به خودکشی کشیده شود، بچه دار خوب! »

اگر این گزارش درست باشد این فریاد آقای اسنراخان که با ابراز احساسات رعداً ما استقبال شد، حذبفتی است که مرا متعجب نمیکارد. شونندگان از بورژواها و حرده سوزواها، که روحیه نژاد نظرانهای دارند، تشکیل یافته بود. چه چیزی بجز مبثذل ترین لیمیرالیزم از آنها میتوان انتظار داشت؟ بهر حال باز نقطه نظر طبقه کارگر بحثی امکان داشت که بهمانسی

مناسبت برای ماهیت کاملاً اجتماعی و زشت * نشو و نما لتوسیا نیزم اجتماعی * عبارت
آقای استراخان که در بالا ذکر شده بسیار بنده ... * بجهدار شوید تا بتوانید
محرور سعادت ... * تنها بحاضر همین؟ چرا آنها نتوانند بهتر * متحدتر
آنگاه نتر و مصمم تر با نفاق ما برخورد شرایط فعلی زندگی که نسل ما را محروم
و خانه خراب بسازد میکنند؟

این فرق شدیدا سنگه روحیه دهقانی و کارستی مازی و روشنفکری و
خرده بورژوازی را بطور عام و از روحیه پرولتاری متمايز مينمايد. خرد و
بورژوا مينبيند و احساس مينند که بطرف خانه خرابی ميرود و زندگيش منککتر ميشود.
مسارزه برای بقا بپرحمانه تر از پيش ميگرده و موقمیتا و و خانوادهاش بيشتر و بيشتر
نااميدکننده ميشود. اين حقيقتي همچون و چرا است و خرده بورژوا بر عليه آن اعتراض
اما او چگونه اعتراض مينمايد؟

او بعنوان نماينده طبقه ای اعتراض مينکند که نااميدانه در حال زوال
است و از آينده اش نااميد است و اين طبقه متاثر و ترسو است. کاری نمیتوان
انجام داد... اهلکاش بچه های کمزري وجود داشتند تا [مجبور نباشند] رنج معذاب
و مرارت شديد ماه فقر و حقارت ما را تحمل کنند. اين صبه خرده بورژوا است.
طبقه آگاه کارگر از اين نقطه نظر بدور است. او اجازه نخواهد داد
تا آتش بيش بوسيله جنين صبه ها بپزد. هر اندازه هم که آنها صميمی و از ته قلب
باشند - تيره خود - بله ما کارگران و توده مالکان کوچک زندگي ابراهيم
گذرانيم که از رنج و ختم طاقت فرماي آکنده است. اوضاع برای نسل ما سختتر
از نسل پدرانمان است. از يك جنبه ما حورثا نستر از پدرانمان هستيم. ما
آغاز با موختن کرده ايم و بنندي جنگ کردن را. ما آموزيم - و جنگ مينکنيم
نه مانند پدران خوب ما که بعنوان فرد جنگيدنده نه برای شمارها و نطقها ي
آتش بورژوازی که از نظر روحی با ما بيگانه اند بلکه برای شمارها ي خودمان
و شمارها ي طبقه مان. ما بهتر از پدرانمان مينجنگيم. بچه های ما بهتر از ما
خواهند جنگيده و آنها بپروز خواهند شد.

طبقه کارگر در حال زوال نيست و در حال رشد است. قوی تر ميشود و
حرات مينبايد و مستحکم ميشود. خود را آموزش مينهد و در نبرد بولادين ميشود.
ما ناانجا که موضوع مربوط به سرواز و سرمايه داری و توليد خرد شده است بدبين

هستیم ، اما تا آنجا که به جنبش طبیفه کارگر و اهداف آن مربوط میشود خواهی
بینان حادی هستیم . ما هم اکنون پایه های عمارتی را ریخته ایم که فرزندان
ما ساختمانش را با تمام خواهند رسانند .

بدین دلیل - و تنها این دلیل - است که ما دشمنان بی قید و شرط
نقومالنفوسلیزم ایم که تنها برای زنده زوجهای حردی بورژوازی بی احساس و خودپرست
میباشد آنها شبکه با صدای لرزان زمزمه میکنند : « خدا بخواهد ما طوری
از عهده خودمان برمیآئیم . خیلی بهتر اگر ما بجبهه های هم نداشته باشیم .
بدیهیت که این بهیچوجه ما را از مطالبه الغای بی قید و شرط همه
قوانین مخالف سقط جنین یا مخالف توزیع معلومات طلبی بر مورد اقدامات ضد
حاکمیت و غیره بازنمیدارد . چنین قوانین چیزی جز سالیسی طبقات حاکم نیست .
این قوانین زخم های مزمن سرمایه داری را بهبود نمیبخشند تنها آنها را بزخم
های سرطانی تبدیل میکنند که بمسوس برای توده خنمدیده دردناک است . آزادی
تبدیفات ملی و حمایت از حقوق ابتدائی دمکراتیک زن و مرد ، جیسزی سوازی
تثوری اجتماعی نثوما لنوسلیزم میباشد . کارگرانیکه آگاهی طبقاتی دارند
همواره بر ضد تلاشهایی که میخواهند در جامعه مدرن این تثوری ارتجاعی و
جبوبانه را بر مرقی ترین و قوی ترین طبقه طبیفه ای که بهترین آمادگی را
برای بزرگترین تحولات دارد ، تحمل کند ، بیرحمانه مبارزه میکنند .

• پراوا د • ۱۳۲

۱۱ ژوئن - ۱۹۱۳

• کلیات • جلد ۱۹